



تحلیل تیرگی و شفافیت در اصطلاحات زبان عربی بر پایه الگوی نانبرگ

احمد محمدی اکمل^{*۱}

احسان اسمعیلی طاهری^۲

سید رضا میراحمدی^۳

چکیده

در این پژوهش به بررسی تیرگی و شفافیت اصطلاحات در زبان عربی براساس الگوی زبانشناختی برگرفته از مقاله نانبرگ و همکاران (۱۹۹۴) پرداخته‌ایم. این الگو، اصطلاحات را به دو دسته عبارات ترکیبی اصطلاحی (بخش پذیر) و عبارات اصطلاحی (بخش ناپذیر) تقسیم می‌کند و برای تمایز آنها از یکدیگر معیارهایی را بر می‌شمرد. ضمن تحلیل و توضیح این معیارها در زبان عربی و برای تطبیق بیشتر، داده‌های خود را از مدخل (ب) کتاب المعجم الموسوعي للتعبير الاصطلاحي في اللغة العربية تألیف محمد داود انتخاب کرده‌ایم و معیارها را بر این پیکره آزموده‌ایم. با مطالعه اصطلاحاتی که در این فرهنگ جمع‌آوری شده، به این نتیجه می‌رسیم که حدود نیمی از این اصطلاحات، جزء دسته عبارات ترکیبی اصطلاحی اند. هرچند معنای برخی از اینها را می‌توان از روی معنای ظاهری آنها دریافت کرد اما امکان امتحان کردن آنها با معیارهای شش‌گانه امکان‌پذیر نبود. در مقابل، نیمی نیز در دسته عبارات ترکیبی اصطلاحی بودند که بخش‌پذیرند و علاوه بر اینکه معنای ظاهری آنها در دسترس بود، با معیارهایی که در دست داشتیم می‌توانستیم تک تک آنها را امتحان کنیم و نشان دهیم برخلاف تعریف سنتی از اصطلاحات، معنا و ساخت آنها کاملاً غیرقابل پیش‌بینی نیست. پس می‌توان گفت که اصطلاحات طبقه یکدستی نیستند و کاملاً تیره هم نیستند و می‌توان با معیارهایی مشخص، آنها را از یکدیگر جدا کرد و در طبقات متفاوتی قرار داد.

کلید واژه‌ها: عبارت اصطلاحی، تیرگی، شفافیت، بخش‌پذیری، زبان عربی.

✉ | mohammadiakmal@semnan.ac.ir

۱- دانشجوی دکتری دانشگاه سمنان (نویسنده مسئول)

✉ | taheri@profs.semnan.ac.ir

۲- استادیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه سمنان

✉ | rmirahmadi@semnan.ac.ir

۳- استادیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه سمنان

۱- مقدمه

بخش مهمی از هر زبان را اصطلاحات تشکیل می‌دهد. ارائه تعریفی دقیق و جامع از این مقوله بخاطر تنوع نگاه زبان‌شناسان و عدم اتفاق نظر آنها مشکل به نظر می‌رسد. در هر زبانی بیان برخی مفاهیم، بخاطر انتزاعی بودن یا به دلایل دیگر، بدون بکارگیری اصطلاحات بسیار دشوار یا تقریباً محال است. از اینجاست که پرداختن به موضوع عبارت‌های اصطلاحی اهمیت پیدا می‌کند. خصوصیتی که این مقوله را متمایز می‌کند ماهیت «غیرمنطقی» اصطلاحات است (راسخ مهند و شمس‌الدینی: ۱۳۹۱)؛ یعنی ارتباطی میان معنای کلمه به کلمه عناصر سازنده هر اصطلاح با معنای کلی یا اصطلاحی آن وجود ندارد. به دیگر سخن، ساختاری است که مفهوم آن را نمی‌توان از اجزای سازنده‌اش دریافت. بررسی اصطلاحات در اکثر زبان‌های زنده دنیا موضوعیت دارد و در این میان در زبان عربی هر چند با کمی تأخیر، ولی با سعی بلیغ عده‌ای از پژوهشگران معاصر عرب، آثار قابل توجهی در این زمینه پدید آمده است.

پرسش اصلی این پژوهش آن است که آیا اصطلاحات به یک میزان تیره هستند. به عبارتی آیا اصطلاحات یک طبقه همسان و یکدست را تشکیل می‌دهند و در این طبقه دگرگونی وجود ندارد؟ در مطالعات سنتی و ادبی، اصطلاحات را طوری تعریف می‌کرده‌اند که گویی با یک طبقه همسان، و البته استثنا نسبت به بقیه زبان، مواجه هستیم. پژوهشگران بر اساس دیدگاه‌های مختلف، رویکردهای متفاوتی به اصطلاحات دارند که در برگیرنده دیدگاه‌های سنتی و جدید است. یکی از رویکردهای جدید به اصطلاحات رویکرد زبان‌شناسی شناختی است. در این پژوهش براساس دیدگاه زبان‌شناسی شناختی، اصطلاحات زبان عربی را طبقه‌بندی می‌کنیم و نشان می‌دهیم تلقی سنتی از اصطلاحات به‌عنوان طبقه‌ای یکدست پذیرفتنی نیست.

یکی از آثاری که در سطح جهان و از دید زبان‌شناختی در این باره نوشته شده است، مقاله نانبرگ و همکارانش (۱۹۹۴) است که نگاه متفاوتی در مقایسه با دیگران به اصطلاحات داشته است. آنها برخلاف دیدگاه‌های سنتی، گروهی از اصطلاحات را تحلیل‌پذیر و بخش‌پذیر می‌دانند و از همین‌رو تقسیم‌بندی‌های تازه‌ای برای آن قائل شده‌اند که بیشتر ناظر به بخش معنایی زبان است. مهم‌ترین نکته‌ای که نانبرگ و همکاران دریافتند این بود که تلقی اصطلاحات به‌عنوان زنجیره‌ای بخش‌ناپذیر، که در آن معنای کل به هیچ وجه از معنای اجزا به دست نمی‌آید، تلقی درستی نیست. دیدگاه نانبرگ درباره اصطلاحات در زبان عربی نیز قابل تطبیق است و در این پژوهش به کارایی این موضوع و بررسی آن با استفاده از اصطلاحات زبان عربی می‌پردازیم و برای اینکه داده‌های مشخصی تحلیل شود، در بخش چارچوب نظری این مقاله به این دیدگاه خواهیم پرداخت. با اینکه اصطلاحات مقولاتی بسیار رایج و پرکاربرد هستند؛ در زبان عربی تحقیقی که به این مقوله از منظر زبان‌شناسی شناختی و با استفاده از الگوی نانبرگ و همکاران باشد، صورت نگرفته است. در این مقاله قصد داریم پس از بررسی اصطلاحات در زبان عربی بر اساس دیدگاه مذکور به این پرسش‌ها پاسخ دهیم:

۱- آیا تمام عبارت‌های اصطلاحی زبان عربی تیره (بخش‌ناپذیر) هستند؟

۲- چگونه می‌توان اصطلاحات عربی را به لحاظ معنایی تقسیم‌بندی کرد و بین اصطلاحات شفاف و تیره

تمایز نهاد؟

برای اینکه داده‌های مشخصی تحلیل شود، پیکره مورد استفاده در این مقاله را به المعجم الموسوعي للتعبير الاصطلاحي في اللغة العربية نوشته محمد داود (۲۰۱۴) محدود کرده‌ایم. در ادامه مقاله ابتدا به مرور پیشینه پژوهش پرداخته‌ایم (بخش ۲)، سپس در بخش (۳) به نگرش سنتی و زبان‌شناختی به اصطلاحات اشاره کرده‌ایم و در بخش (۴) مقاله نانبرگ و همکاران (۱۹۹۴) را به‌عنوان چارچوب نظری پژوهش معرفی کرده‌ایم. بخش (۵) تحلیل و طبقه‌بندی اصطلاحات در بخشی از پیکره مورد رجوع بر اساس چارچوب زبان‌شناختی است و در بخش ششم نتیجه‌گیری بحث، آمده است. روش پژوهش در مقاله حاضر توصیفی - تحلیلی است.

۲- پیشینه پژوهش

در مورد اصطلاحات در زبان عربی پژوهش‌هایی صورت گرفته است. یکی از مهم‌ترین آنها، کتاب «التعبير الاصطلاحي، دراسة في تأصيل المصطلح ومفهومه ومجالاته الدلالية وأماطه التركيبية» نوشته کریم زکی حسام‌الدین است. همان‌گونه که از عنوان اثر پیداست، رویکرد او در باب‌های چهارگانه کتاب، ریشه‌یابی اصطلاحات، مفهوم، حوزه‌های معنایی و اشکال ترکیبی آنهاست. او در تحلیل خود، عمدتاً به جنبه‌ها و عناصر لغوی و فرهنگی، در ایجاد و تشکیل عبارت‌های اصطلاحی پرداخته و در ادامه زمینه‌های دلالی و شکل‌های ترکیبی عبارات اصطلاحی را نشان داده است که به فعالیت‌های مختلف انسان از قبیل فعالیت روزانه، تحرک و تفکر، سخن گفتن و فعل و انفعالات روحی و روانی او بر می‌گردد. چنان‌که می‌بینیم تقسیماتی که در این کتاب آمده ناظر به جنبه صوری و شکلی اصطلاحات است و این غیر آن چیزی است که این مقاله دنبال آن است (زکی حسام‌الدین، ۱۹۸۵: ۲۱۹-۲۹۵).

کتاب دیگری که اصطلاحات را مورد بررسی قرار داده، التعبير الاصطلاحي في اللغة العربية (۲۰۱۲م) نوشته هدی فتحی‌یوسف عبدالعاطی است که در هفت فصل به نگارش درآمده است. نویسنده پس از بحث درباره مفهوم اصطلاح و شاخه‌های آن از دیدگاه صاحب‌نظران غربی و عربی، درباره ویژگی‌ها، اشکال اصطلاحات و انواع منابع آن از دینی و غیردینی و جدید و قدیم سخن به میان آورده و در فصل پایانی نمونه‌هایی را درباره حوزه‌های کاربرد عبارت‌های اصطلاحی در روزنامه‌نگاری به تفکیک فرهنگی، علمی، نظامی و... ذکر کرده است. اثر مهم دیگری که تاکنون در این باره تألیف شده، کتاب «العبارة الاصطلاحية العربية، ماهيتها، خصائصها، مصادرها، أصنافها» (۲۰۰۰م) نوشته حسین قویدر است که در چهار باب به نگارش درآمده است. همان‌گونه که عنوان کتاب نشان می‌دهد، این اثر هم پس از سخن درباره ماهیت عبارت اصطلاحی و ویژگی‌های کلی آن، در باب پیدایش، تحول و دسته‌بندی آنها بحث کرده است. وی در ادامه درباره میزان قابلیت ترجمه عبارت اصطلاحی به زبان‌های دیگر به‌ویژه انگلیسی سخن به میان آورده و در باب پایانی کتاب دست به تطبیق عبارت اصطلاحی و احکام آن با همتای انگلیسی آنها زده و در نهایت به میزان نیاز زبان عربی به فرهنگ‌های تخصصی در این حوزه پرداخته است. اما دسته‌بندی‌ای که نویسنده، در این کتاب آورده برگرفته از طبقه‌بندی است که

«آدام مکای»^۱ انجام داده است؛ که عبارتند از: طبقه‌بندی بر حسب نوع، کارکرد لغوی و شکل ساختاری. او هر یک از این سه طبقه را به انواعی تقسیم کرده است (قویدر، ۲۰۰۰: ۷۵).

پژوهش دیگری که در این حوزه انجام شده، مقاله‌ای است با عنوان «صور التعابير الاصطلاحية في العربية المعاصرة» از وفاء کامل فاید (۱۴۲۴ق)، که نویسنده در پژوهش خود سه معیار را برای بررسی اصطلاحات برگزیده است:^۲

- طبقه‌بندی طبق ترکیب نحوی؛ مانند مرکب اضافی، فعلی و اسمی و
- طبقه‌بندی طبق روابط بلاغی که میان عناصر عبارت‌های اصطلاحی تعیین شده؛ مانند اصطلاحاتی که مجاز و کنایه در آنها استفاده شده است مانند: حَفِظَ مَاءَ الْوَجْهِ، رَكِبَ (فُلَانٌ) رَأْسَهُ.
- طبقه‌بندی منابع و ریشه‌های عبارت‌های اصطلاحی که از جاهایی همچون زبان‌های خارجی: الحَطُّ الْأَحْمَرُ، حوزه ورزش: الْكُرَّةُ فِي مَلْعَبٍ (کنا) و زمینه‌های علمی، اقتصادی و غیره، وام گرفته شده است.

همان‌طور که ملاحظه می‌شود در هیچ یک از پژوهش‌های بالا اصطلاحات را از منظر تیرگی یا شفاف بودن؛ یا به عبارت بهتر بخش‌پذیری و بخش‌ناپذیری مورد بررسی قرار نداده‌اند و معیارهای دیگری که نانبرگ و همکارانش (۱۹۹۴) برای مطالعه اصطلاحات برگزیده‌اند، هیچ‌کدام در مطالعات یاد شده لحاظ نشده است. یک مقاله و کتاب نیز به زبان انگلیسی درباره اصطلاحات از منظر زبان‌شناسی شناختی یافت شد که آن مقاله با عنوان: ساختار مفهومی اصطلاحات مربوط به «دست» در زبان عربی^۳ (المؤدی، ۲۰۱۳) است و دیگری، کتابی است با عنوان: اصطلاحات عربی، مطالعه‌ای مبتنی بر گنجینه لغوی «کتاب مجموعه‌های زبان‌شناسی عربی راتلج ۸»^۴ (عبده، ۲۰۱۱)، که در این دو پژوهش هر چند به موضوع اصطلاحات از دیدگاه زبان‌شناسی شناختی پرداخته شده، اما طبقه‌بندی مورد نظر این پژوهش که با الگویی خاص مورد توجه قرار گرفته در این دو تحقیق مورد بررسی قرار نگرفته است.

در واقع در هیچ یک از پژوهش‌های قبلی به طبقه‌بندی اصطلاحات عربی که بر اساس الگوی زبان‌شناختی نانبرگ و همکاران باشد نگریسته نشده است؛ بنابراین مقاله حاضر از این جهت پژوهشی نو قلمداد می‌شود که تاکنون کسی بدان نپرداخته است.

۳- نگاه زبان‌شناختی به اصطلاحات

در تعریف و طبقه‌بندی اصطلاحات در زبان‌های مختلف، گوناگونی‌های فراوانی دیده می‌شود. این دیدگاه‌های مختلف را می‌توان به طور کلی به دو دسته سنتی و جدید تقسیم کرد. در ادامه هر یک را جداگانه مرور می‌کنیم.

1. Adam Makkai

2. <http://www.reefnet.gov.sy/booksproject/mojama/78/78-4/10.pdf>

3. The Conceptual Structure of 'Hand' Idioms in Arabic.

4. Arabic Idioms: A Corpus Based Study (Routledge Arabic Linguistics Series Book 8).

۱-۳- دیدگاه‌های سنتی

عبارت‌های اصطلاحی به خاطر ویژگی معنایی خاصی که دارند، همواره مورد توجه دستورنویسان، فرهنگ‌نویسان و زبانشناسان بوده است. ویژگی خاص معنایی اصطلاحات آن است که معمولاً معنای کلی اصطلاح با مجموع معنای عناصر تشکیل‌دهنده آن برابر نیست. تا اواخر دهه هفتاد میلادی اغلب بر این باور بودند که عبارت‌های اصطلاحی مقولاتی بخش‌ناپذیرند؛ یعنی اینکه نمی‌توان معنای آنها را از اجزای تشکیل‌دهنده آنها تشخیص داد، معنای آنها قراردادی است و هیچ ارتباطی با اجزای آنها ندارد. در دیدگاه‌های سنتی، اصطلاحات مجموعه معینی از مقوله بزرگتر واژگان به‌شمار می‌آیند (کارت^۱ و مک کارتی^۲، ۱۹۸۸، به نقل از راسخ مهند، شمس‌الدینی، ۱۳۹۱: ۱۵).

معنای اصطلاحات در دیدگاه سنتی، به‌طور مستقل و مستقیم در ذهن ذخیره می‌شود بدون آنکه به تک تک اجزای آنها فکر کنیم؛ همان‌گونه که به معنای هر واژه‌ای به تنهایی توجه می‌کنیم، در فرهنگ لغت نیز، آن را به تنهایی جستجو می‌کنیم. از این دیدگاه، اصطلاحات، خرده‌ها و تکه‌های فسیل‌شده و منجمد و کلیشه‌ای در زبان هستند. به عقیده آنها، سخنگویان باید این استعاره‌های «مرده» را از طریق جفت کردن هر عبارت با یک معنی غیر تحت‌اللفظی، آن هم کاملاً به‌صورت دلبخواهی فراگیرند، بدون اینکه کوچکترین آگاهی داشته باشند که چرا این عبارات چنین معنایی دارند (گیس، ۲۰۰۷، به نقل از شمس‌الدینی: ۱۴). از دیدگاه سنتی، عبارت‌های اصطلاحی صورت‌های یکپارچه و منجمدی است که معنی و مفهوم آنها در قاموس ذهنی، به‌صورت یک کلمه جلوه می‌کند.

۲-۳- دیدگاه‌های جدید

در رویکردهای تازه از سوی زبانشناسان به اصطلاحات، این دیدگاه مطرح شده است که آنها بخش‌پذیرند؛ یعنی مفهوم بسیاری از عبارت‌های اصطلاحی را می‌توان تا حدودی از اجزای تشکیل‌دهنده آنها دریافت کرد و جز تعداد معدودی از آنها که از تیرگی و ابهام برخوردارند، اغلب آنها تجزیه‌پذیرند. مهم‌ترین و معروف‌ترین مثالی که زبانشناسان از قدیم و جدید برای اصطلاح تیره و مبهم بیان می‌کنند، مثال "Kick the bucket" است. معنای تحت‌اللفظی این عبارت، «لگد زدن به سطل»، و معنی اصطلاحی آن «مردن» است. تأکید زبانشناسان جدید نه بر چنین اصطلاحات تیره‌ای، بلکه بر اصطلاحاتی است که به لحاظ معنایی شفاف‌ترند. در این میان از بین کسانی که این دیدگاه را مطرح کردند و نگاه ویژه و متفاوتی به این مقوله داشتند، و یکی از رویکردهای مهم در بررسی اصطلاحات را رقم زدند، نانبرگ^۳، ساگ^۴ و واسو^۵ (۱۹۹۴) هستند. اینکه چرا برای طبقه‌بندی

1. Carter
2. McCarthy
3. Nunberg
4. Sag
5. Wasow

اصطلاحات از میان دیدگاه‌های جدید به تقسیم‌بندی نانبرگ و همکاران تکیه کردیم، دلیل آن نگاه و سخن متفاوتی است که نسبت به دیگران در این حوزه ابراز داشتند.

نانبرگ و دیگران (۱۹۹۴) با ارائه طبقه‌بندی‌های متفاوت از اصطلاحات، به مبحث بخش‌پذیری^۱ و اصطلاح‌بودگی^۲ اشاره می‌کنند. آنها با ارائه ویژگی‌های مختلف برای طبقه‌بندی اصطلاحات، کار خود را آغاز می‌کنند. در اینجا، نکات کلیدی این مقاله، معرفی می‌شود تا بنیاد نظری پژوهش مشخص شود و در ادامه، طبقه‌بندی اصطلاحات عربی بر اساس الگوی آنها در این چارچوب انجام می‌شود.

۴- چارچوب نظری

نانبرگ و همکارانش در سال ۱۹۹۴ مقاله مسوطی با عنوان «اصطلاحات»^۳ منتشر کرده‌اند. این مقاله اساس نظری نوشتار حاضر را تشکیل خواهد داد. در ادامه بخش‌های مهم این پژوهش که در بردارنده مهم‌ترین آراء و رویکرد ایشان درباره اصطلاحات است، می‌آید.

آن‌ها در ابتدای مقاله در بخش تعریف، اصطلاح‌بودگی را دارای ابعاد گوناگون می‌دانند، و می‌گویند تعریف اصطلاح در نگاه سنتی، همواره مقوله‌ای گیج‌کننده و همراه با مشکل بوده است و معتقدند که اصطلاحات بخشی از فضای واژگان ذهن را به خود اختصاص می‌دهد (نانبرگ و همکاران، ۱۹۹۴). در این فضای چند بعدی، آنها چند ویژگی اصلی را برای اصطلاحات ذکر کرده‌اند:

الف- قراردادی بودن^۴: یعنی این که معانی و کاربرد اصطلاحات به صورت قطعی پیش‌بینی‌پذیر نیست؛ یا حداقل به طور کامل نمی‌توان معنای آنها را پیش‌بینی کرد و قراردادی بودن آنها حتمی است. مثلاً در دو اصطلاح زیر از زبان‌های انگلیسی و عربی قراردادی بودن مشخص است:

1) Kick the bucket (معنی تحت‌اللفظی: به سطل لگد بزن! [زدن]: مُرد / مردن).

۲) لَعِقَ الرَّجُلُ إِبْصَعَهُ: (فلان) مُرد. (ریق / ریغ رحمت را سر کشید).

با جمع کردن معنای هر یک از لغات این اصطلاح، نمی‌توان معنای کل اصطلاح را حدس زد و تعیین کرد. چون معنای تحت‌اللفظی آن چنین است: «مرد انگشتش را لیسید» پس یک معنای قراردادی، و غیرقابل پیش‌بینی، در این اصطلاح وجود دارد.

ب- انعطاف‌ناپذیری^۵: اصطلاحات، برخلاف ساخت‌های عادی و غیراصطلاحی زبان، دارای انعطاف‌پذیری محدودی هستند و به راحتی نمی‌توان عناصر متشکله آنها را تغییر داد، جایگزین کرد و یا جابجا نمود. مثلاً در همان اصطلاح شماره (۲)، نمی‌توان به جای «لَعِقَ الرَّجُلُ إِبْصَعَهُ»، «لَعِقَ الرَّجُلُ يَدَهُ» را به کار برد. در زبان انگلیسی

1. Compositionality
2. Idiomaticity
3. Idioms
4. Conventionality
5. Inflexibility

۶) رجع بِخَفِي حنين. ترجمه تحت اللفظی این عبارت چنین است: «با دو کفش حنین بازگشت». درباره منشأ و ریشه آن در کتب امثال به تفصیل سخن رفته است، اما معنای اصطلاحی آن می‌شود «دست از پا درازتر بازگشت»، یا «نامید شدن، دست خالی برگشتن».

هـ- عامیانه یا غیررسمی بودن^۱: اصطلاحات به شیوه‌های گفتار عمومی، فرهنگ شفاهی و محاوره‌ای، یعنی به زبان کوچه و بازار نزدیک است.

6) *I'll leave no stone unturned* until I find out who did this:

«از هیچ تلاشی فروگذار نمی‌کنم تا اینکه بفهمم چه کسی این کار را انجام داده است».

۷) الف- تتر و حریر علی غطاء زیر:

«کسی که ظاهر خوب اما باطن بد دارد.»

ب) أهلاً وسهلاً!

خوش آمدید.

ج) یا مية من تحت تین (حسام الدین، ۱۹۸۵: ۱۰۶):

«آب زیر کاه»؛ کسی که زندگی اجتماعی‌اش برپایه مکر، نیرنگ و تزویر است.

و- تأثیرگذاری^۲: گاهی اصطلاحات برای بیان ارزیابی خاص یا حالتی عاطفی به کار می‌روند. به‌طور معمول اصطلاحات را برای توصیف موقعیت‌های خنثی مورد استفاده قرار نمی‌دهند. یعنی موقعیت‌های غیرانتزاعی که دارای هیچ گونه بار عاطفی و روانی نیستند؛ مثل خرید بلیط، خواندن کتاب یا تماشای تلویزیون. البته باید مد نظر داشت، به غیر از ویژگی قراردادی بودن، هیچ یک از این ویژگی‌ها الزاماً برای همه اصطلاحات کاربرد ندارد؛ یعنی اصطلاحاتی وجود دارند که دارای مجاز نیستند؛ و از منظر صنایع ادبی قابل تحلیل نیستند و گاه با اصطلاحاتی روبه‌رو می‌شویم که عاری از هر نوع مجاز یا شخصیت اصطلاحی و انتساب قوی به گفتار عامیانه‌اند؛ مانند:

8) By dint of. «بوسیله»

۹) الإستعاذة و البسمة.

ذکر «أعوذ بالله» و «بسم الله» در ابتدای قرائت قرآن.

در مجموع می‌توان گفت با توجه به ویژگی‌های فوق اصطلاحات به لحاظ زبانشناختی مقوله زبانی طبیعی نیستند، که بتوانند برای بررسی دستور جهانی مناسب باشند؛ بنابراین اصطلاحات به لحاظ زبانی دارای رفتار متفاوتی هستند. نانبرگ و همکاران (۱۹۹۴)؛ با توجه به ویژگی‌های مذکور، و با اشاره به اینکه همه اصطلاحات دارای ویژگی‌های مشترک نیستند، در بررسی‌های خود، مهم‌ترین معیار طبقه‌بندی اصطلاحات را بخش‌پذیری

1. Informality

2. Affect

یا بخش‌ناپذیری آنها قرار می‌دهند و از این حیث آنها را به دو گروه تقسیم می‌کنند: عبارت‌های ترکیبی اصطلاحی^۱؛ و عبارت‌های اصطلاحی^۲. در ادامه به تفاوت‌های این دو طبقه اشاره می‌شود. عبارات ترکیبی اصطلاحی یا به اختصار ترکیب‌های اصطلاحی، اصطلاحاتی هستند که هر کدام از واژه‌ها به واسطهٔ همنشینی با واژه‌های دیگر آن اصطلاح معنای مشخصی دارند. توجه کنید که نامیدن یک عبارت به‌عنوان عبارت ترکیبی اصطلاحی به مفهومی نیست که بتوان آن را شفاف نامید؛ به‌طوری‌که گویشوران بتوانند به سهولت معنای آن را به واسطهٔ معنای اجزای تشکیل‌دهندهٔ اصطلاح درک کنند. در این گروه می‌توان معنای کل اصطلاح را از اجزای تشکیل‌دهندهٔ آن، تا حدودی حدس زد؛ یعنی معنای آن در میان اجزایش توزیع شده است. به عبارت دیگر معنای کل ترکیب با معنای اجزاء به نحوی همخوان و سازگار است؛ مثلاً:

(۱۰) وضع النقاط علی الحروف: «ابهام‌زدایی کرد».

معنای تحت‌اللفظی این اصطلاح چنین است: «نقطه‌ها را بر روی حروف قرار داد». اگر شنونده‌ای برای نخستین بار چنین اصطلاحی را بشنود، با کنار هم گذاشتن معنای کلمه به کلمهٔ آن و به‌واسطهٔ همنشینی واژه‌ها (نقطه و حرف) می‌تواند تا حدودی معنای اصطلاح را دریابد. چنان‌که پیداست، حروفی مانند: «ب، پ، ت، ث و ج، چ، ح، خ» با دارا بودن نقطه‌هایی در بالا و پایین خود از یکدیگر متمایز و باعث رفع ابهام و هم‌پوشانی می‌شوند. لذا نمونهٔ (۱۰) را می‌توان یک عبارت ترکیبی اصطلاحی تقریباً شفاف نامید.

اما عبارت‌های اصطلاحی این‌گونه نیستند. یعنی اصطلاحاتی هستند که درک معنای آنها و ارتباط معنایی بین اجزای آن با معنای کلی، چندان واضح و قابل حدس نیست. از این‌رو، عبارت «Kick the bucket» به معنای «مردن»، معنایی دارد که از تک تک عناصر آن قابل حدس نیست؛ بنابراین در فرهنگ عبارات اصطلاحی باید به‌عنوان عبارات کامل وارد شوند. به اعتقاد نانبرگ و همکاران (۱۹۹۴) در عبارت‌های اصطلاحی، رابطهٔ معنایی میان اجزای آن وجود ندارد و دانستن معنای اجزای تشکیل‌دهنده، کمکی به دانستن معنای عبارت نمی‌کند. مثلاً: «علی بكرة أبيهم»، یک عبارت اصطلاحی و به معنای «همه یا همگی» است که دانستن معنای تک تک واژگان برای درک معنای کلی، وافی به مقصود نیست. اگر بخواهیم عبارت‌های ترکیبی (اصطلاحی) و عبارت‌های اصطلاحی را مقایسه کنیم، می‌توان ویژگی‌های آنها را به صورت زیر نشان داد:

جدول ۱: ویژگی‌های اصلی ترکیب اصطلاحی و عبارت اصطلاحی

عبارت‌های ترکیبی اصطلاحی	عبارت‌های اصطلاحی (اصطلاحات گروهی)
قراردادی	قراردادی
شفاف	تیره
بخش‌پذیر	بخش‌ناپذیر

1. Idiomatically combining expression

2. Phrasal idioms

همان‌گونه که ذکر شد، عبارت‌های ترکیبی اصطلاحی تا حدودی شفاف، و بخش‌پذیرند. منظور از بخش‌ناپذیری این است که هرگاه معنای کلی یک عبارت، برابر با مجموع معنای اجزای تشکیل دهنده آن نباشد، آن را بخش‌ناپذیر یا ترکیب‌ناپذیر می‌گویند؛ مثلاً: در عبارت «ماتٌ حتفٌ أنفه» اگر مجموع کلمات «مات» و «حتف» و «أنفه» را به لحاظ معنایی جمع کنیم، منظور و مراد گوینده که: «به مرگ طبیعی از دنیا رفتن» است، به دست نمی‌آید؛ به این گونه اصطلاحات بخش‌ناپذیر می‌گویند. اما همه اصطلاحات واجد چنین خصوصیتی نیستند؛ به همین دلیل نانبرگ و همکاران (۱۹۹۴)، قائل به بخش‌پذیری برخی از اصطلاحات (عبارت‌های ترکیبی اصطلاحی) در برابر بخش‌ناپذیری برخی دیگر (عبارت‌های اصطلاحی) هستند. هر چند اصطلاحاتی وجود دارند که کاملاً تیره و غیرشفاف‌اند، اما بر خلاف دیدگاه سنت‌گرایان، بسیاری از اصطلاحات، بخش‌پذیرند. آنها دلایل زیر را برای اثبات نظر خود مبنی بر بخش‌پذیری در عبارت‌های ترکیبی اصطلاحی اقامه کرده‌اند: الف) می‌توان آنها را وصف کرد و صفتی به آنها اضافه کرد. این امر نشان می‌دهد اصطلاحات کاملاً منجمد نیستند و می‌توان به ساخت درونی آنها نفوذ کرد:

11) a. Leave no legal stone unturned.

از هیچ تلاش قانونی، فرو گذار نکن!

(۱۲) السيف المصلت على رقبة (فلان): «.. فأروبا تری فيها مؤشراً على رفع السيف النووي المصلت على رقبته...»^۱

«اروپا، در آن [کار] نشانه‌ای از بالا بردن شمشیر هسته‌ای برگردنش می‌بیند».

در اینجا کلمه «النووي» به‌عنوان صفت آمده است که نوعی تعدیل به حساب می‌آید و نشان می‌دهد اصطلاح می‌تواند به‌وسیله‌ی درج یک کلمه در وسط آن، توصیف شود؛ اما در اصطلاح «تیره‌ای» همچون: «جاءوا علی بكرة أبيهم» که به معنی «همگی آمدند» است، نمی‌توان در هیچ جای اصطلاح کلمه‌ای را به‌عنوان توصیف یا بند موصولی یا ... درج کرد. چون دارای ساختاری ثابت، منجمد و بخش‌ناپذیر است.

(۱۳) «... وكانت الرياح الشرقية الأوسطية تجري على غير ما تشتهيه سفينة شعب الله المختار...»^۲: بادهای خاورمیانه برخلاف میل کشتی ملت برگزیده خداوند می‌وزید.

اصل عبارت در مثال بالا که با درج صفت «الشرق الأوسطية» تعدیل و ترکیب شده، چنین است: «جری الرياح بما لا تشتهی السفن» که برگرفته از مصرع دوم بیتی از متنبی شاعر است؛ که در مثال (۱۳) علاوه بر تعدیل مذکور، معلوم می‌شود «السفن» هم به‌صورت مفرد «سفينة» آمده است و معنای مصرع این است که: بادهای در جهتی می‌وزند که کشتی‌ها دوست ندارند؛ و منظور از این اصطلاح آن است که گاهی انسان چیزی یا موضوعی را بر خلاف تصور و آرزوی خود می‌یابد؛ ولی عبارت اصطلاحی تیره‌ای مانند: «أعط القوس باربها»:

۱. حريدة القيس الكوفية: ۱۹۸۵/۸/۲۵

۲. همان: ۱۹۸۵/۳/۲۸

کمان را به سازنده/ تراشنده‌اش بده! (کار را به کاردان بسپار!) را نمی‌توان بخش‌پذیر کرد؛ زیرا بدلیل مثل‌بودگی و ثابت بودن اصطلاح نمی‌توان قید، بند موصولی، کمیت یا دیگر معیارهایی که برای تشخیص عبارت ترکیبی اصطلاحی آمده است به آن اضافه کرد. برای مثال‌های بعدی (۱۴ تا ۳۳) که عبارت‌های ترکیبی اصطلاحی و بخش‌پذیر را تشریح می‌کند نیز می‌توان به همین شکل طرف مقابل آن یعنی عبارت‌های اصطلاحی را توضیح داد.

۱۴) سقطت ورقة التوت: برگ توت افتاد؛ اصطلاحاً یعنی چیزی که به جهت زشتی‌اش باید پوشیده بماند، آشکار شود. برگ توت در اصل اشاره است به ماجرای معروف رانده شدن آدم و حوا از بهشت و کشف عورت آنها که بالاجبار با برگ درخت توت، خود را پوشاندند. به عنوان مثال می‌توان این ترکیب اصطلاحی را با صفت (الاخیره) توضیح بیشتری داد: ورقة التوت الاخیره سقطت في قضية (خاشقچی) المعارضة الناعم^۱ در ماجرای قاشقچی - مخالف میانه‌رو - (عاری از خشونت) آخرین پرده (افتضاح) برافتاد.

ب) این اصطلاحات را می‌توان با جمله (بند موصولی) نیز توصیف کرد. این نیز دلیل دیگری بر وجود میزانی از بخش‌پذیری است:

15) Your remark touched a nerve [that I didn't even know existed].

اظهارات شما اعصابم را چنان خرد کرد که [گویی آن اعصاب] وجود نداشته است.

مثال‌های (۱۶ و ۱۷) کاربرد عبارت‌های ترکیبی اصطلاحی را به همراه موصول نشان می‌دهد:

۱۶) ضرب عنه صفحاً [لم يره من أحد حتى الآن] (قویدر، ۲۰۰۰: ۸۶ و داود، ۲۰۰۳: ۳۴۱).

بخشش و گذشتی از او کرد که تاکنون از کسی دیده نشده است. در این مثال موصول «جمله وصفی» پس از اصطلاح «ضرب عنه صفحاً» برای توضیح بیشتر آمده، در حالی که معنای اصطلاح دستخوش تغییر نشده است؛ با این توضیح که با وجود کلمه نکره «صفحاً»، آمدن موصول «الذی» صحیح نیست؛ اما جمله بعدی ضمن اینکه می‌تواند جمله صله برای ما قبل باشد، معنای وصفی هم دارد.

۱۷) الصراط المستقیم (محمد داوود: ۱۸۹۵/۱)، ترکیب اصطلاحی قرآنی و به معنای راه حقی است که هیچ انحراف و گمراهی در آن وجود ندارد: «اهدنا الصراط المستقیم» ﴿۶﴾ صراط الذین أنعمت علیهم غیر المغضوب علیهم ولا الضالین» ﴿۷﴾ (الفاتحة: ۶-۷) در این مثال نیز برای توضیح بیشتر عبارت «الصراط المستقیم»، آیه بعدی با بند موصولی‌ای که، «الذین» در آن به کار رفته، آمده است. در اینجا موصول «الذین» که پس از «صراط» در نقش بدل آمده، اصطلاح «الصراط المستقیم» تبیین و توضیح بیشتری داده شده است که این نشان می‌دهد ترکیب‌های اصطلاحی را می‌توان با موصولات توضیح داد.

1. <https://democraticac.de/?p=56966>

ج) دلیل دیگر برای بخش‌پذیری اصطلاحات این است که می‌توان آن‌ها را با یک جمله ساده ترکیب کرد یا به عبارتی دیگر، می‌توان آنها را در ساخت هم‌پایه قرار داد؛^۱ به این معنا که؛ می‌توان توازن و تعادل، در اجزایی ایجاد کرد که ارزش معنایی یکسان در جمله دارند:

18. Reinventing and tilting at the federal windmill.

دن کیشوت‌وار با دشمن خیالی جنگیدن.

در زبان عربی ترکیب‌پذیری اصطلاحات با جملات ساده در مثال‌های (۱۹ و ۲۰) نشان داده شده است:

(۱۹) لم یبیس بیت شفة و أبدی صمناً مطبقاً: لب به سخن نگشود و سکوتی مرگبار پیشه کرد.

در این مثال، جمله اول که یک عبارت ترکیب اصطلاحی است به وسیله جمله دوم توضیح داده شده و ضمن تکمیل و تقویت معنای جمله اول، با آن نیز ترکیب شده است.

(۲۰) عادت المیاه إلى مجاریها و حلت الخلافات القائمة بین الطرفين.

آب‌ها به آسیاب برگشت و اختلافات موجود میان دوطرف حل شد.

در مثال (۲۰) جمله اول یک عبارت اصطلاحی است که با جمله ساده بعدی ترکیب شده و یک ساخت هم‌پایه را تشکیل داده است که ارزش معنایی یکسانی را دارند.

د) امکان کمیت‌پذیری^۲ نیز دلیل دیگری برای بخش‌پذیری اصطلاحات است. کمیت‌پذیری، عمل شمارش و اندازه‌گیری با اعداد و مقادیر را گویند:

21) a. Touch a nerve: Touch *a couple* of nerves.

عصبانی کردن: بدجور داری عصبانی می‌کنی.

b. Pull strings: we could ... pull yet *more* strings

رشته‌ها را کشیدن؛ اصطلاحاً پارتی بازی کردن: ما توانستیم بیشتر پارتی بازی کنیم.

(۲۲) أغمض عینیه علیّ: أغمض ثلاث مرّات عینیه علیّ.

چشمانش را سه بار به روی من بست. (چشم‌پوشی کرد)

(۲۳) كبش الفداء: گوشت قربانی، گوشت دم توپ، : من هو أول كبش الفداء في قضية مقتل خاشقجي؟

در مثال (۲۲ و ۲۳) کاربرد کمیت، عدد و ترتیب (ثلاث مرّات و أول) را در اصطلاحات زبان عربی، مشاهده می‌کنیم؛ که این خود دلیل دیگری بر بخش‌پذیری اصطلاحات در این زبان است.

هـ) مبتدأ‌گزینی^۳: یعنی بتوان بخشی از اصطلاح را در اول جمله قرار داد؛ که نشان می‌دهد اصطلاحات تا حدودی بخش‌پذیرند:

24) Those strings, he wouldn't pull for you.

آن پارتی‌ها را او برای شما انجام نمی‌داد.

(۲۵) أشار إليه بإصبع الاتهام. ← بإصبع الاتهام أشار إليه. (محمد داود: ۶۰۶/۱) با انگشت اتهام به او اشاره کرد.

1. coordination
2. quantification
3. topicalization

(۲۶) أراق ماء وجهه. (قویدر: ۶۹) ← ماء وجهه أراق. آبرویش ریخت.
 (۲۷) أسمع جمعجة ولا أرى طحناً ← أرى طحناً ولا أسمع جمعجة. (قویدر: ۱۲۷)
 سر و صدای آسیاب را می‌شنوم ولی آردی نمی‌بینم.
 در مثال‌های (۲۵ و ۲۶ و ۲۷) قابلیت مبتداگزینی، جابجایی یا قرار گرفتن بخشی از اصطلاح را در ابتدای جمله نشان داده‌ایم.
 (و) می‌توان بخشی از اصطلاح را حذف به قرینه^۱ کرد؛ و این هم نشانه‌ای از بخش‌پذیری و شفافیت ساختاری در اصطلاحات است:

28) My goose is cooked, but yours isn't

گاو من زایید؛ ولی برای شما نه! (من به دردمس افتادم ولی شما نه)
 (۲۹) «النظام غارق في الفساد حتى أذنيه»، (الحياة: ۲۰۱۶/۲/۱۶) والعراق أيضاً:

این رژیم و نیز عراق، سر تا پا غرق در فساد است.
 (۳۰) ضرب عرض الحائط: ضرب باقتراحي عرض الحائط (قویدر: ۲۱) و باقتراحاتکم:

به پیشنهاد من وقتی نهاد و به پیشنهادات شما نیز توجهی نکرد.
 در نمونه (۲۹ و ۳۰) به دلیل وجود قرینه و جلوگیری از تکرار، عبارت ترکیبی اصطلاحی حذف شده است.
 (ز) نشانه دیگری از بخش‌پذیری در اصطلاحات این است که می‌توان با ضمائر به اصطلاحات یا بخشی از آنها ارجاع داد:

31) a. Although the F.B.I *kept tabs on* Jane Fonda, the C.I.A kept *them* on Vanessa Redgrave.

هرچند اف. بی آی جین فوندا را زیر نظر گرفت، ولی سیا ونیسا ردگریو را هم، زیر نظر داشت.
 b. We thought tabs were being *kept on us*, but they weren't.

ما فکر کردیم تحت نظر قرار گرفتیم، اما آنها نه.

(۳۲) في السبعينيات، خرج التنين الآسيوي من القمقم وذلك ضمن العم سام إزعاج الاتحاد السوفيتي ثم الإجهاز عليه... (الأهرام: ۲۰۱۷/۸/۲۷)

در دهه هفتاد میلادی، اژدهای آسیا از بطری خارج شد اما این غول برای تحریک شوروی از سوی امریکا و سپس شکست آن بود.

(۳۳) سياسة العصا والجزرة: ترامب يستخدم سياسة العصا والجزرة تجاه إيران. هو يستخدم هذه السياسة تجاه طهران حتى يدفعها بالعودة إلى طاولة المفاوضات (قناة العالم: ۲۰۱۸/۱۱/۹).

سیاست چماق و هویج: ترامپ سیاست چماق و هویج را در قبال ایران به کار می‌گیرد. او این سیاست را به کار گرفته تا تهران را برای بازگشت به میز مذاکرات مجبور کند.

در مثال‌های (۳۲ و ۳۳) با ضمیر اشاره (ذلك و هذه)، به اصطلاحات ارجاع داده شده است.

1. ellipsis

به طور خلاصه می‌توان گفت، معیارهای تشخیص عبارتهای ترکیبی اصطلاحی از نظر نانبرگ و همکاران (۱۹۹۴) عبارتند از: ارجاع به ضمیر، حذف به قرینه، مبتدأگزینی، تعریف یا تعیین و اندازه یا خاصیت چیزی و توصیف.

ما در ادامه بحث، طبقه‌بندی و معیارهای فوق را بر بخشی از پیکره کتاب المعجم الموسوعي للتعبير الاصطلاحي في اللغة العربية، نوشته محمد داوود، می‌آزماییم تا نشان دهیم در زبان عربی هم برخی اصطلاحات بخش‌پذیرند؛ و آن گونه که در تعاریف سنتی اصطلاحات آمده کاملاً تیره نیستند. البته همچنان برخی از اصطلاحات در طبقه تیره قرار می‌گیرند. بسامد این دو طبقه نیز بر اساس پیکره مورد مطالعه نشان داده شده که حائز اهمیت است.

۵- تحلیل داده‌ها

در این جا قصد داریم با مراجعه به کتاب المعجم الموسوعي للتعبير الاصطلاحي في اللغة العربية، نوشته محمد داوود و انتخاب یکی از مدخل‌های آن، یعنی عبارتهای اصطلاحی قرار گرفته در مدخل (ب)، و بر اساس معیارهایی که در بالا به دست آمده است، عبارتهای ترکیبی اصطلاحی را از عبارتهای اصطلاحی جدا کنیم و نشان دهیم که چگونه اکثر این اصطلاحات می‌توانند بخش‌پذیر باشند. برای این کار لازم است اصطلاحات مدخل (ب) را با حداقل یکی از معیارهای مذکور؛ یعنی ارجاع به ضمیر، حذف به قرینه، مبتدأگزینی، کمیت‌پذیری، و توصیف، امتحان کنیم.

۵-۱- عبارتهای ترکیبی اصطلاحی

در این بخش، عبارتهای ترکیبی اصطلاحی را که تا حدودی شفاف، غیرقراردادی و بخش‌پذیرند از مدخل (ب) از کتاب فوق بیرون کشیدیم که شماره (۳۴ تا ۴۵) را در بر می‌گیرد و با آزمون این عبارتها با حداقل یکی از معیارهای ششگانه، بخش‌پذیر بودن آنها را اثبات می‌کنیم:

۳۴) البؤرة الحرجة (۳۷۷): معنای ظاهری آن حفره یا گودال تنگ است؛ و معنای اصطلاحی، کانون خطر. مانند جمله: القوات المسلحة هي البؤرة الحرجة في دول العالم الثالث: نیروهای مسلح در کشورهای جهان سوم، کانون خطر است. این نمونه‌ای از یک عبارت ترکیبی اصطلاحی است زیرا می‌توان اصطلاح را کمیت‌پذیر کرد:

- القوات المسلحة هي البؤرة الحرجة الأولى في دول العالم الثالث.

وقتی می‌توان اصطلاح را کمیت‌پذیر کرد؛ یعنی بخش‌پذیر است. نمونه دیگر اصطلاح (۳۵) است:

۳۵) الباب الملكي (۳۷۸): دربار، دروازه شاهی، آستان شاهانه و اصطلاحاً؛ بهترین و نزدیک‌ترین راه برای رسیدن به هدف است که در جمله‌ای مانند «الإجتهد من دون كَلِّ هو الباب الملكي للنجاح» به کار می‌رود.

«تلاش بدون رنج، بهترین راه برای رسیدن به پیروزی است». این نمونه هم یک عبارت ترکیبی اصطلاحی است؛ زیرا می‌توان آن را توصیف کرد که یکی از دلایل بخش‌پذیر بودن اصطلاحات است.

- الإجتهد من دون كَلِّل هو من الأبواب الملكة الشريفة للنجاح من دون كَلِّل.

نمونه دیگر، مثال زیر است:

۳۶) البادي و الحاضر: بیابان نشین و شهرنشین؛ اصطلاحاً؛ همه، خاص و عام. ظهر الله سریره، فعلمها البادي والحاضر: خداوند باطنش را آشکار نمود، لذا همه او را شناختند. از شکل و معنای ظاهری این اصطلاح می‌توان به نشانه و دلالت آن پی برد و اینکه به مانند اصطلاح رطب و یابس: تر و خشک، بر جملگی بودن و شمولیت دلالت دارد، و از میان ویژگی‌های فوق می‌تواند مبتدا قرار گیرد بنابراین بخش پذیر است.

- البادي والحاضر علموا سریره. اصطلاح را در ابتدای کلام به عنوان مبتدا انتخاب کردیم؛ پس ترکیبی اصطلاحی است.

۳۷) البایات الصالحات: اصطلاحی قرآنی است، (الکهف: ۴۶): هر عمل صالح از گفتار و کردار انسان که برای آخرت باقی می‌ماند.

می‌توان در کلام، این اصطلاح را پس و پیش کرد یا به آن ارجاع داد:

- البایات الصالحات خیرٌ لك وتلك عند الله خیرٌ أملاً: ارزش‌های پایدار برایت بهتر و آن ارزش‌ها نزد خداوند از نظر امید هم بهتر است. در این مثال توانستیم با ضمیر (تلك) به اصطلاح اشاره کنیم که این خود دلیلی بر ترکیبی بودن اصطلاح شماره (۳۷) است. همان‌گونه که قابلیت مبتدا گزینی و وصف‌پذیری را هم داراست.

۳۸) البرج العاجي: اصطلاحی معاصر است که بر کناره‌گیری از مردم و زندگی واقعی دلالت دارد. که برج عاج^۱ نشأت گرفته از غزل‌های سلیمان در کتاب مقدس است که بعدها به عنوان لقبی برای مریم (ع) به کار گرفته شد (Song of Songs, 7: 4).

- من الحكمة أن يعيش الإنسان العاقل في الواقع، ولا يرسل أفكاره من البرج العاجي: حکیمانه این است که آدم عاقل در واقعیت موجود زندگی کند نه اینکه با دور بودن از جامعه اندیشه‌هایش را از فراز برج عاج اظهار کند.

این اصطلاح می‌تواند با صفتی مانند «أخلاقي» توصیف شود، پس یک عبارت ترکیبی اصطلاحی و قابل توصیف است:

- هل تنطبق مقولة «أديب البرج العاجي الأخلاقي» على توفيق الحكيم؟ آیا عبارت «ادیب اخلاق‌گرای برج عاج‌نشین» برای توفیق‌الحکیم مناسب است؟ که در اینجا برای نوع و سبک زندگی نویسنده بزرگ مصری این اصطلاح به همراه صفت «اخلاقی» به کار رفته است.

۳۹) البساط الأخضر: «فرش سبز» و در اصطلاح ورزشی، ورزشگاه را گویند؛ چون مساحت آن با چمن سبز پوشیده شده است. به مانند همین اصطلاح است تعبیر «مستطیل سبز» که پر کاربردتر است و میزان شفافیت آن از اصطلاح فرش سبز نیز بیشتر است اما اصطلاح مورد بحث علی‌رغم اینکه از اندکی تیرگی برخوردار است

اما با کمی دقت معنای اصطلاحی آن مشخص می‌شود به‌ویژه زمانی که در جمله‌ای مرتبط یعنی در اخبار ورزشی به کار رود:

نزل اللاعبين إلى البساط الأخضر استعداداً لبدء المباراة: بازیکنان به منظور آماده شدن برای شروع مسابقه وارد ورزشگاه شدند.

با توجه به قرار گرفتن این اصطلاح در بافت خاص خود معنای آن به سادگی قابل تشخیص است و این نشان از شفافیت ترکیب اصطلاحی دارد. این اصطلاح از آن جهت که قابل ارجاع است می‌توان بخش‌پذیر قلمداد گردد، زمانی که گفته می‌شود:

• ذهب اللاعبون إلى البساط الأخضر للمدينة وأجروا هُنا مباراتهم. ارجاع به عبارت اصطلاحی با ضمیر اشاره «هنا» دلیلی بر ترکیبی بودن است.

(۴۰) البقاء لله: ماندگاری فقط از آن خداست. اصطلاحی برای عرض تسلیت به خانواده متوفاست.

• قال لجاره مُعزياً: اصبر والله مع الصابرين والبقاء لله. به همسایه‌اش تسلیت داد و گفت: صبر پیشه کن! خداوند با شکیبایان است.

این اصطلاح قابل ارجاع به ضمیر است:

• البقاء لله، هو كلمة تعزية تُقال لأهل المتوفى: البقاء لله، آن سخنی است که به خاندان درگذشته، گفته می‌شود. در اینجا نیز با ضمیر «هو» به عبارت اصطلاحی ارجاع داده شده است.

(۴۱) البقرة الحلوب: به معنای گاو شیری، اصطلاحاً به دو معناست: ۱. هر چیزی که سود و منفعت فراوان دارد. ۲. کس یا چیزی که مورد سوء استفاده قرار گیرد. این اصطلاح در فارسی نیز کاملاً مرسوم است و مثلاً گفته می‌شود: «فالنی گاو شیرده است». که همان معانی و کارکردهای خود را در زبان عربی به خواننده القاء می‌کند. این اصطلاح پرکاربرد را می‌توان در زمینه‌های مختلف استعماری و استثماری، به‌عنوان تعبیری کنایی و نیشخندانه و طنزآمیز به کار برد؛ زمانی که گفته می‌شود:

• ظَلَّتْ مصر أحقاباً طويلة، البقرة الحلوب للإستعمار الأجنبي: مصر دوران مدیدی گاو شیرده برای استعمار خارجی بود.

که نشان از استثمار و بهره‌کشی کشورهای خارجی از سرزمین مصر دارد. از آنجا که این اصطلاح قابلیت مبتدأ‌گزینی و قرار گرفتن در آغاز کلام را دارد، پس می‌تواند در ابتدای سخن به‌عنوان مبتدأ قرار گیرد:

• البقرة الحلوب هي البترول في دول الخليج الفارسي: در کشورهای خلیج فارس، گاو شیری همان نفت است. این اصطلاح ترکیبی، بخش‌پذیر و شفاف است.

(۴۲) البقية الباقية: باقیمانده ماندگار، اصطلاحاً به معنای بهترین بازمانده است.

• تحاول إسرائيل أن تقضي على البقية الباقية من الآمال في تحقيق السلام: اسراییل می‌کوشد تا بازمانده بهترین آرزوها را برای تحقق صلح از میان ببرد.

- المهدی، البقیة الباقیة فی قومه و كذلك المسيح فی قومه. در جمله دوم «البقیة الباقیة» پس از «كذلك» به قرینه حذف شده است. یعنی: حضرت مهدی(ع) بهترین بازمانده در میان قوم خویش است و مسیح(ع) نیز همچنین است [بهترین بازمانده است] در میان قوم خود.
- (۴۳) البیت الحرام: خانه با حرمت: اصطلاحی قرآنی برای کعبه است که در آیه زیر به کار رفته است:
 - «جَعَلَ اللَّهُ الْكَعْبَةَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ قِيَامًا لِلنَّاسِ» (مائده: ۹۷): خدا کعبه آن خانه با حرمت را برای نگرهبانی مردم، قرار داد. یکی از پربسامدترین اصطلاحات اسلامی است. این اصطلاح با معنای ظاهری خود و با توجه به بار معنایی که کلمه حرام در بر دارد ظاهراً و به سادگی معنای خود را به مخاطب در اولین برخورد منتقل می‌سازد بنابراین از اصطلاحات شفاف و بخش‌پذیر است و از میان ویژگی‌های مورد بحث به سادگی قابل ارجاع است، چنان که گفته می‌شود:
 - البیت الحرام، إنَّ أول من بناه الملائكة بأمر الله تعالى، ثم بناه إبراهيم.
- همان‌گونه که دیده می‌شود در اینجا ارجاع به عبارت اصطلاحی با ضمیر(ه) در کلمه «بناه» دیده می‌شود، لذا این یک، عبارت ترکیبی اصطلاحی بخش‌پذیر است.
- (۴۴) البلد الامین: سرزمین امن، عبارت اصطلاحی قرآنی است که منظور از آن مکه است.
 - «وهذا البلد الامین» (التین: ۳). و سوگند به این شهر امن، مکه. می‌توان آن را در ابتدای کلام به صورت مبتدا آورد:
 - البلد الامین من أسماء مكة. در این جمله عبارت اصطلاحی «البلد الامین» از میان ویژگی‌های فوق در نقش مبتدا ظاهر شده است. معنای اصلی این اصطلاح با توجه به ظاهر آن و با توجه به پیوند آن با اصطلاح شماره (۴۳) دیده می‌شود؛ زیرا حرام بودن خونریزی و کشتار، آن را به شهری امن تبدیل کرده است
- (۴۵) البیت المعمور: خانه آباد، اصطلاحی قرآنی و در احادیث اسلامی به معنایی خانه‌ای است در آسمان، که به موازات کعبه و روبروی آن ساخته شده است.
 - البیت المعمور هو اسم لبیت الله الحرام أي الكعبة: بیت معمور نامی برای بیت‌الله حرام، یعنی کعبه است. با تأمل در این اصطلاح می‌توان گفت که این عبارت هم حداقل با یکی از معیارهای شش‌گانه قابل امتحان است. مثلاً می‌تواند مرجع ضمیر قرار گیرد. یعنی بگوییم:
 - البیت المعمور جاء ذكره في القرآن الكريم. ارجاع به اصطلاح با ذکر ضمیر (ه)؛ یا این که توصیفی بر آن افزود و گفت:
 - البیت المعمور الكبير أو الشريف.
- با دقت در نمونه‌هایی که تا اینجا ذکر شد، می‌توان گفت عبارات ترکیبی اصطلاحی در زبان عربی وجود دارند و با بهره‌گیری از معیارهای نانبرگ و همکاران (۱۹۹۴) می‌توان آنها را تشخیص داد. اما در همان مدخل «ب» از فرهنگ مذکور، اصطلاحاتی هم وجود دارند که در گروه عبارات ترکیبی اصطلاحی قرار نمی‌گیرند. در بخش بعد به برخی از این اصطلاحات هم اشاره می‌کنیم.

۵-۲- عبارتهای اصطلاحی

عبارتهای اصطلاحی ویژگی بخش‌پذیری ندارند. با استخراج این نوع عبارتها از همان مدخل (ب) یعنی شماره‌های (۴۶ تا ۵۶) از کتاب المعجم الموسوعي للتعبير الاصطلاحي في اللغة العربية، خصوصیت بخش‌ناپذیری اینها را در ادامه خواهیم دید.

(۴۶) البادي أظلم؛ آغازگر [ستم]، ظالم‌تر [از کسی که ظلم و تجاوز را پاسخ می‌گوید] است این اصطلاح در جواب کسی گفته می‌شود که تعدی را آغاز کند.

هر چند معنای ظاهری این اصطلاح تا حدودی روشن و آشکار است و کاملاً تیره نیست اما از آنجا که این پرسش ایجاد می‌شود که چرا آغاز کننده ستمگرتر است اندکی ابهام در معنا ایجاد می‌کند؛ همچنین از آنجایی که با هیچ یک از معیارهای شش‌گانه فوق قابل توضیح نیست، بنابراین به دلیل کلیشه‌وارگی و قالبی بودن آن، بخش‌ناپذیر است.

(۴۷) إلبس لکل حالة لبوسها؛ برای هر وضعیتی لباس مناسب آن را بپوش! که منظور آن است که خودت را با شرایط موجود تطبیق بده! این عبارت یک مثل قدیمی و مصرعی از یک بیت است، لذا ارکان آن قابل تجزیه یا جابجایی نیست و نمی‌تواند با یکی از آن معیارها مورد امتحان قرار بگیرد. معادل این اصطلاح در زبان فارسی «خواهی نشوی رسوا هم‌رنگ جماعت شو» است. مفهوم و فحوای این اصطلاح هر چند تا حدودی قابل حدس است اما با این حال قابل تأمل و نیاز به موشکافی دارد.

(۴۸) البطنة (تأفن - تُذهب) الفطنة؛ پرخوری ذکاوت را از میان می‌برد.

• وطعام لا تشتهي لا تأكله فإن البطنة تُذهب الفطنة. غذایی که میل نداری مخور چرا که پرخوری ذکاوت را از میان می‌برد.

(۴۹) البغض بُدیه لك العینان؛ چشمان، کینه و دشمنی را برایت آشکار می‌کند.

در نمونه‌های (۴۸ و ۴۹) و همچنین نمونه‌های بعدی، همانند توضیح و مثالی که در ذیل نمونه (۱۲ و ۱۳) آورده‌ایم، به دلیل مثل‌بودگی، کلیشه‌وارگی، قول معروف و ثابت بودن ساختار، نمی‌توانیم آنها را تجزیه کنیم و تغییری در ارکان‌شان ایجاد کنیم.

• الودُّ لا يخفى وإن أخفیه البغضُ بُدیه لك العینان؛ دوستی را نتوان کتمان کرد هر چند که آن را پنهان کنی؛ [زیرا] چشمان، کینه و دشمنی را برایت آشکار می‌کند.

(۵۰) البغی مرتعٌ وخیم؛ چراگاهش ناگوار است، که اصطلاحاً؛ یعنی ظلم سرانجام خوشی ندارد.

وَالظُّلْمُ يَصْرُغُ أَهْلَهُ وَالْبَغِيُّ مَرْتَعُهُ وَخَيْمٌ سَتَمٌ، ستمگر را بر زمین می‌زند، ظلم و جنایت پایان خوشی ندارد. معنای ظاهری این بیت هر چند به بدی و ناپسندی ظلم به‌طور شفاف اشاره دارد اما اینکه بخواهد سرنوشت شوم ستم را نشان دهد نارساست و از این رو تیره و مبهم است.

با دقت و تأمل در نمونه‌های (۴۸، ۴۹، ۵۰) متوجه می‌شویم که این عبارات در قالب هیچ یک از ویژگی‌های شش‌گانه که پیش‌تر بیان شد قابل گزارش و امتحان نیست هر چند در برخی از آنها (۴۸) معنای عبارت تا حدی شفاف است. ولی برای فهم برخی دیگر (۵۰) نیاز به موشکافی و تلاش دارد. لذا به دلیل بخش‌ناپذیری و قالبی بودن، به آنها عبارت اصطلاحی می‌گوییم.

(۵۱) الْبِكَاءُ عَلَى الْأَطْلَالِ: گریه بر آثار به جای مانده از خانه‌ها، که اصطلاحاً؛ تأسف و اندوه بر گذشته است.

- دَعِ الْمَاضِي وَلَا تَكْتَرِ مِنَ الْبِكَاءِ عَلَى الْأَطْلَالِ! گذشته را رها کن و بر آنچه که از بین رفته گریه مکن! این اصطلاح مشهوری است که با توجه به سبک شاعران دوره‌های کهن به‌ویژه جاهلی که بر خرابه‌های دیار معشوق می‌گریستند اقتباس شده است. از آنجایی که شاعران با این عمل در حقیقت اندوه خود را بر حوادث عاشقانه و ماجراهای نوستالوژیک گذشته با معشوق بیان می‌نمودند این اصطلاح از معنای جزئی و خاص خود به معنای کلی تأسف و اندوه بر هر چیزی به‌کار می‌رود و با وجود اینکه می‌توان آن را در قالب جملاتی به‌کار بست به مانند: «دَعِ الْمَاضِي وَلَا تَكْتَرِ مِنَ الْبِكَاءِ عَلَى الْأَطْلَالِ!»؛ گذشته را رها کن و بر آنچه که از بین رفته گریه مکن! «بخش‌ناپذیر است زیرا در قالب ویژگی‌های مورد نظر نانبرگ قابل امتحان نیست.

(۵۲) الْبُكَاءُ عَلَى اللَّبَنِ الْمَسْكُوبِ: گریه بر شیر ریخته. اصطلاحاً به معنای؛ پشیمانی پس از دست رفتن فرصت است. با دقت در اجزاء کلام نمی‌توان به مفهوم و پیام این اصطلاح پی برد. این اصطلاح در پاره‌ای از متون معاصر به‌کار می‌رود و از اصطلاحات پرکاربرد در زبان عربی است:

- لَا يَكْفِي الْعَرَبَ الْبِكَاءُ عَلَى اللَّبَنِ الْمَسْكُوبِ بَعْدَ ضِيَاعِ فِلَسْطِينَ. پس از، از دست رفتن فلسطین، گریه و پشیمانی بی‌فایده است.

(۵۳) الْبَلَايَا عَلَى الْخَوَايَا: مصیبت‌های بزرگ بر پالان شتران است. مثلی قدیمی است که درباره حتمی بودن مرگ و ناگزیر بودن از آن است. این اصطلاح نیز همچون نمونه قبلی (۵۲) با هیچ‌کدام از ویژگی‌های فوق قابل تعریف نیست. در زبان فارسی هم، معادل همین مثل، و تقریباً با همین اجزاء مشاهده می‌شود: «این شتری است که در خانه هر کسی می‌خوابد»، که معادل فارسی آن به مانند معادل عربی جزء اصطلاحات تیره است. مثلاً زمانی که می‌گوییم:

الخوف من الموت لا يحول دون القضاء فإن البلياء على الخوایا: ترس از مرگ مانع از آن نمی‌شود؛ چرا که مرگ آدمیان حتمیست و این شتری است که در هر خانه‌ای خوابیده است. در ترجمه می‌توان از معادل فارسی آن برای بخشودن اندکی شفافیت به این اصطلاح تیره بهره برد. شفاف بودن اصطلاح مورد نظر در فارسی بنابر تکرار و آشنایی فارسی‌زبانان با مفهوم این تعبیر است و گرنه این اصطلاح با توجه به اجزاء کلام تیره و مبهم است و از آنجایی که با هیچ‌کدام از ویژگی‌های فوق همخوانی ندارد بخش‌ناپذیر است.

(۵۴) البِنَاءُ عَلَى الْفَسَادِ: ساخت بر فساد است. اصطلاحاً برای چیزی گفته می‌شود که بر پایه‌های فساد بنا شده باشد. متنّبی گوید:

• فَإِنَّ الْجُرْحَ يَنْفَرُ بَعْدَ حِينٍ إِذَا كَانَ الْبِنَاءُ عَلَى الْفَسَادِ:

زخم و جراحت پس از مدتی عفونت می‌کند اگر معالجه‌اش بر پایه‌های فاسد بنیان شده باشد.

(۵۵) الْبَيْتُ سُرُّ أُمَّهَا: دختر، حقیقت و جوهر مادرش است. منظور این اصطلاح آن است که دختر نسخه‌ای از مادرش با همه ویژگی‌های اخلاقی اوست.

• لَا عَجَبَ أَنْ تَكُونَ هَذِهِ الْفَتَاةُ جَمِيلَةً كَأَمَّهَا فِي حَسَنِ أَخْلَاقِهَا؛ فَالْبَيْتُ سُرُّ أُمَّهَا. جای شگفتی نیست که این دختر چون مادرش در خوش اخلاقی زیباست چرا که دختر آیینۀ اخلاق مادرش است.

(۵۶) الْبَيْتُ بَيْتُكَ: خانه، خانه توست. اصطلاحی که برای دادن احساس راحت بودن و بی‌تکلفی به مهمان گفته می‌شود.

• يَا أَحْي، لَا تَتَصَرَّفْ كَضَيْفٍ، الْبَيْتُ بَيْتُكَ. ای برادر، مانند مهمان رفتار مکن! زیرا این خانه، خانه خودت است. همچون نمونه‌های که پیش‌تر توضیح داده شد، با دقت نظر در شماره‌های (۵۴ و ۵۶)، این اصطلاحات نه قابل توصیف یا کمیت‌پذیر است نه می‌توان با ضمیر آنها را مورد اشاره قرار داد. بنابراین از نوع دوم یعنی عبارت‌های اصطلاحی و بخش‌ناپذیر هستند؛ هر چند خواننده متخصص و فردی که با جهان تعابیر و ضرب‌المثل‌ها و اصطلاحات آشنا باشد معانی آنها را در می‌یابد.

با بررسی اصطلاحات شماره (۴۶-۵۶) معلوم می‌شود که هیچ یک از این‌ها به دلیل ضرب‌المثل‌بودگی و کلیشه‌وارگی با معیارهای شش‌گانه یاد شده، قابل امتحان نیست. به سخنی دیگر این‌ها بخش‌پذیر نیستند و عبارت اصطلاحی به شمار می‌روند.

۶- نتیجه‌گیری

در این مقاله کوشش شد نگاهی زبان‌شناختی به تعریف اصطلاحات و انواع آن اتخاذ شود. تعریف و معیارهای نانبرگ و همکاران (۱۹۹۴) بنیاد این طبقه‌بندی و مطالعه قرار گرفت. با انتخاب ۲۵ اصطلاح از مدخل (ب) از کتاب المعجم الموسوعي للتعبير الاصطلاحي في اللغة العربية، نوشته محمد داود، دیدگاه حاضر درباره اصطلاحات زبان عربی آزموده شد. از مجموع این اصطلاحات، ۴۸ درصد، عبارت‌های ترکیبی اصطلاحی و ۵۲ درصد بقیۀ آنها، در دستۀ عبارت‌های اصطلاحی جای گرفتند. با مطالعه اصطلاحاتی که در این فرهنگ جمع‌آوری شده، به این نتیجه می‌رسیم که حدود نیمی از این اصطلاحات، جزء دستۀ عبارت‌های اصطلاحی‌اند. هرچند معنای برخی از این‌ها را می‌توان از روی معنای ظاهری آنها دریافت کرد اما امکان امتحان کردن آنها با معیارهای شش‌گانه امکان‌پذیر نبود؛ اما نیمی دیگر نیز در دستۀ عبارت‌های ترکیبی اصطلاحی بودند که بخش‌پذیرند و علاوه بر اینکه معنای ظاهری آنها در دسترس بود، برای اثبات بخش‌پذیری، شفافیت و غیرقراردادی بودن آنها، با حداقل یکی از معیارهایی که در دست داشتیم، توانستیم تک تک آنها را امتحان کنیم. پس اصطلاحات طبقه

یکدستی نیستند و کاملاً تیره هم نیستند بلکه برخی از آنها از شفافیت نسبی برخوردارند و البته می‌توان با معیارهایی مشخص، آنها را از یکدیگر جدا کرد.

منابع

- قرآن کریم.
- جريدة القيس الكويتية: ۱۹۸۵/۸/۲۵.
- الحياة: ۲۰۱۶/۲/۱۶.
- راسخ مهند، محمد و شمس‌الدینی، مونا (۱۳۹۱). «طبقه بندی اصطلاحات فارسی از دیدگاه زبان‌شناسی شناختی»، فصلنامه ادب پژوهی، سال ششم، شماره ۲۰: ۱۱-۳۲.
- زکی حسام‌الدین، کریم (۱۹۸۵). *التعبير الاصطلاحي دراسة في تأصيل المصطلح ومفهومه ومجالاته الدلالية وأنماطه التركيبية*، الطبعة الأولى، مكتبة الأنجلو المصرية.
- شمس‌الدینی، مونا (۱۳۹۰). *بررسی اصطلاحات زبان فارسی از دیدگاه زبان‌شناسی شناختی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه کردستان.
- فتحي يوسف عبدالعاطي، هدى (۲۰۱۲). *التعبير الاصطلاحي في اللغة العربية، دراسة اللغوية، الإسكندرية، مؤسسة حورس الدولية*.
- قناة العالم: ۲۰۱۸/۱۱/۹.
- قويدر، حسين (۲۰۰۰). *العبارة الاصطلاحية في اللغة العربية، ماهيتها، خصائصها، مصادرها، أصنافها*، الطبعة الأولى، دمشق، دار كنان للطباعة والنشر والتوزيع.
- كامل فايد، وفاء (۱۹۲۴ق). «صور التعبيرات الاصطلاحية في العربية المعاصرة»، مجلة المجمع اللغة العربية بدمشق، العدد: ۲۴.
- محمد داود، محمد (۲۰۱۴). *المعجم الموسوعي للتعبير الاصطلاح في اللغة العربية*، الطبعة الأولى، القاهرة، دار النهضة مصر للنشر.
- Abdou, Ashraf (2012). *Arabic Idioms: A Corpus Based Study* (Routledge Arabic Linguistics Series Book 8), London, Routledge.
- Alamoudi, Khadija (2013). *The Conceptual Structure of 'Hand' Idioms in Arabic*, Internet Journal of Language, Culture and Society, October: 37.
- <http://www.alalam.ir/news/3882586/>
- <http://www.reefnet.gov.sy/booksproject/mojama/78/78-4/10.pdf>
- <https://democraticac.de/?p=56966>
- <https://www.biblegateway.com/passage/?search=Song+of+Songs+7:4&version=NIV>
- Nunberg, Geoffrey; Ivan A. Sag; Thomas Wasow (1994). *"Idioms", Language*, Vol. 70: 491-538.